

اصطلاحات ابتدایی طبی



گل چمن "خاشعی"

Ketabton.com

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم پزشکی

1399 ه ش

به نام خداوند بخشنده و مهربان

**منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و شکراندرش مزید نعمت، هرنفس که فرود می رود
مد حیات است و چون برمی آید مفرح ذات؛ پس در هرنفسی دونهمتی موجود است و در هرنعمتی
شکری واجب.**

در هر علم و مسلکی؛ دانستن اصطلاحات، پایه و اساس آموختن درست و آسان آن علم را فراهم میکند. درین فایل که در دسترس تان قرار دارد کوشیده ام ابتدایی ترین اصطلاحات را از کتب مختلف شامل در پروگرام درسی دانشگاه علوم طبی کابل گردآوری کرده و با استفاده از منابع در دسترس و معتبر آنها را به زبان دری و به شکل ساده و عام فهم ترجمه کنم. از آنجاییکه انسان جایز الخطاست از هرگونه اشتباه درین قسمت عرض پوزش دارم.

موفق باشید.

TERM	معادل دری	TERM	معادل دری
Artery	شریان	Aero-	پیشوندی به معنای هوا
Aorta	ابهر	Aerobe	هوازی (نیازمند به اکسیجن)
Amygdala	ساختمان بادامی شکل مغز	Aerobic	موجود هوازی
Ampulla	قسمت وسیع یک عضو	Aerobiosis	نیاز به اکسیجن
Alveole	کیسه مانند	Aerocele	تجمع غیر عادی هوا در یک قسمت از بدن
Alveolar	مربوط به آلوئول	Aerogen	باکتری های مولد هوا
Abdomen	بطن/شکم	Afebrile	بدون تب
Anterior	قدام/جلو	Afferent	آورنده از محیط به یک مرکز مشخص
Adeno	غده	Arterio	پیشوندی به معنای شریانی
Adrenal	غده ی فوق الکلیه	Agnesia	عدم تشکل یک عضو
Adenoid	غده مانند	Agent	عامل/ایجادکننده
Adenocyte	نسخ ترشحی غده	Ageusia	فقدان حس بویایی
Adhesion	التصاق/چسبندگی	Agglutination	به هم پیوستگی/چسبیدن
Acute	حاد/شدید	Agglutinant	ماده ی چسپاننده
Adnexa	ضمایم /ملحقات	Algo-	پیشوندی به معنای درد
Adrenalin	نام تجاری اپی نفرین	Allergic	مربوط به آلرژی
Adrenergic	مربوط ادرینالین	Allergen	ماده ی حساسیت زا
Allergenic	مربوط به ماده ی آلرژی زا	Amniotomy	برش غشای آمنیونی

Amensalism	ارتباط اجتماعی که یک طرف فایده و طرف مقابل ضرر کند	Amorphous	بدون شکل مشخص
Ameius	جنین با نقص اعضا	Amp.	مخفف آمپول
Amelia	جنین فاقد اعضا	Amphi-	پیشوندی به معنای هر دو
Anemia	کم خونی	Amphoric	صدایی شبیه با دمیدن در داخل بوتل
Amenia	فقدان خون قاعدگی	Amphoterism	ماده یکه هم خاصیت قلوی و هم خاصیت اسیدی دارد
Amenorrhea	فقدان قاعدگی	Amphotony	مقویت سیستم عصبی
Amentia	اختلال در عمل مغز	Amplitude	وسعت ، فراخی
Ametria	فقدان مادر زادی رحم	Ampule	محفظه ی شیشه ی حاوی یک دوز دوا
Amnesia	فراموشی	Ampullula	اتساع کوچک مجاری عضویت
Amnion	داخلی ترین غشای جنینی	Amputation	قطع عضو
Amniochorial	مربوط به آمنیون و کوریون	Amy(o)-	پیشوندی به معنی نشایسته
Amniogenesis	رشد آمنیون	Amyasthenic	ضعف عضلانی
Amniography	عکس برداری از رحم با استفاده از اشعه ایکس	Amyelia	بدون نخاع شوکی
Amnionitis	التهاب آمنیون	Amyelineuria	اختلال در عملکرد ستون فقرات
Amniorrhea	دفع شدن آمنیوتیک	Amyelinic	بدون میلین
Amniorrhexis	شکافتن آمنیون	Amyelonic	نداشتن نخاع شوکی یا مغز استخوان
Amniote	هر حیوان آمنیون دار	Amyelus	جنین بدون نخاع شوکی

Amylophagia	تمایل به خوردن نشایسته	Anacattarsis	استفراغ شدید و مداوم
Amylopsin	انزایم تبدیل کننده نشایسته به مالتوز در معد	Anachiorhodia	کم شدن اسید معد
Amylorrhera	اسهال همراه با مدفوع نشایسته دار	Anacholia	کم شدن ترشح صفرا
Amylum	نشایسته	Anadenia	اختلال در عملکرد غده
Amylura	نشایسته در ادرار	Anadipsia	تشنگی بیش از حد
Amyocardia	ضعف در عملکرد عضله قلب	Anaerobic	غیر هوازی
Amyostasia	لرزش عصبی عضلات	Anagenesis	ترمیم نسجی
Amyosthenia	کاهش قدرت عضلانی	Anakusis	کری عصبی
Amyosthenic	عاملیکه قدرت را عضلانی را کم کند	Anal	مقعد
Amyotaxy	ناهماهنگی در حرکات عضلات	Analgesic	ضد درد
Amyotonia	ضعف عضلات	Anallergic	ماده که حساسیت ایجاد نکند
Amytal	مسکن خواب آور که قبل از جراحی داده می شود	Analogue	دارای خواص مشابه
Amyxia	فقدان بلغم	Antrum	حفره یا جوف
Amyxorrhea	عدم ترشح بلغم	Anuresis	عدم تولید شدن ادرار از کلیه
Anabiosis	مرگ ظاهری مانند خواب زمستانی	Anulus	حلقوی شکل
A	پیشوندی که فقدان را نشان میدهد	Anuria	فقدان ادرار
Ana-	پیشوندی به معنی بالا) به طرف عقب و بسیار زیاد	Anxiety	بی قراری و دلهره

Anabolism	میتابولیزم سازنده	Azygos	عضو تاق بدن
BP	فشار خون	Bruise	کوفتگی ، خونمردگی
Bactremia	وجود باکتری در خون	Brucellosis	محرقة ی حیوانی
Bactricide	کشنده ی باکتریا	Bronchus	برانش ، شعبه های شزن
Balance	توازن عناصر	Biopsy	نمونه برداری نسجی
Bacteriostatic	جلوگیری کننده رشد باکتری	Barrier	مانعه
Buttock	سرین	Bathy-	پیشوندی به مفهوم عمیق
Bursa	کیسه ی که در آن مایع زلالی قرار دارد	Bedsore	زخم بستر
Bulimia	پر خوری با منشا عصبی	Belly	برجستگی شکم
Bulbuos	پیازی شکل	Belonoid	سوزنی شکل
Bulbourethral	قسمت پیازی احلیل	Bemidone	ماده ی خواب آور
Bud	جوانه	Bend	خمیدگی
Buccal	دهانی	Benign	سلیم، خوش خیم
Bucco-	پیشوندی که به آنچه مربوط صورت است متصل می شود	Bi	پیشوندی به مفهوم دو
Bucardia	قلب بزرگ	Bicapsular	دو کیسولی
Bubonocele	فتق ناقص مغبنی	Biceps	عضله دو سره
Bruxism	جویدن دندان	Bicuspid	دو پله ی
Bruit	صدای غیر عادی در سمع قلب	Bicontaminated	آلوده شدن به دو میکروب

Biconvex	محدب الطرفین	Bicornate	دوشاخه
Bicorprate	دو جسمی	Bilobular	دو لوبولی
Bifid	شکاف دار	Bilocular	دو قسمتی
Biforate	دو سوراخه	Bimanual	دو دستی
Bifurcation	دو شاخه شدن	Binary	دو عنصری
Bifurcate	دو شاخه شده	Binauaral	مربوط به دو گوش
Bile	صفرا	Binet-test	آزمون تعیین هوش
Bile canaliculi	مجاری صفراوی	Binomial	دو اسمی
Bilegenesis	صفرا سازی	Biocidal	تهدید کننده حیات/ کشنده
Biligenetic	صفرا ساز	Bio-	پیشوندی به مفهوم زندگی
Bilin	اجزا تشکیل دهنده ی صفرا	Biogen	واحد فرضی ماده ی زنده
Bilious v.	استفراغ صفراوی	Biol.	مخفف بیولوژی
Bilirubin	از تخریب هیموگلوبین بوجود می آید	Biome	اجتماع بزرگ
Bilirubinemia	بیلیروبین در خون	Biometer	دستگاه کاربن دای اکساید سنج
Bilirubinuria	بیلیروبین در ادرار	Bion	یک موجود زنده
Biliuria	صفرا در ادرار	Biophylactic	محافظ حیات
Biliverdin	از تخریب هیم بوجود می آید	Biophysics	فزیک حیاتی
Billiary	صفراوی	Bioplasm	قسمت حیاتی پروتوپلازم

Bilobate	دو لوبی	Bioplastic	کمک کننده به رشد
Bladder	مثانه	Bland	ملایم ، تسکین دهنده
Blast(o)	پیشوندی به معنای جوانه	Blast-	نیم کلمه ی به معنای نارس
Blastema	پیش ساز حجرات	Blastula	مرحله ی از رشد تخمک (بعد از مرولا)
Blastomere	حجرات تقسیم شده ی تخمک القاح یافته	Bleb	آبله ی بزرگ
Bleeder	شخص مبتلا به خونریزی	Bleeding	خونریزی
Bleeding time	مدت زمانیکه خونریزی متوقف شود	Blennadenitis	التهاب غدد مخاطی
Bacillary	میله ی شکل	Blennuria	مخاط در ادرار
Blister	تبخال	Blindness	کورگی
Blindspot	نقطه ی کور	Block	انسداد،وقفه
Blood transfusion	انتقال خون	Bolus	تطبیق ادویه داخل رگ
Behavior	رفتار	Bone graft	پیوند استخوان
Bowel	روده	Bovine	گاوگی
Bowlegs	پای قوسی	Brachi(o)	پیشوندی به معنای بازو
Brachium	بازو	Brady(o)	پیشوندی به معنای آهسته و کند
Brain	مغز	Breast	ثدیه ، پستان
Brim	قسمت فوقانی حوصله	Bronchial	برانشی
Bronchiole	شعبات برانش	Bronchiectasis	اتساع مریضی برانش

Bronchiospasm	تقبض قصبات	Breath	تنفس
Cachexia	حالت ضعف و گرسنگی	Cacoguesia	بد طعم
Cacomelia	سو شکل مادر زادی یک عضو	Cacosmia	بوی بد
Calcaneus	کوری پا	Calcemia	کلسیم در خون
Calcibilla	کلسیم در صفرا	Calcic	کلسیمی
Calcicosis	نوع از بیماری ریوی	Calcific	آهکی کننده
Calcification	ترسب کلسیم ، آهکی شدن	Clcine	تکلس، کلسیمی شدن
Calcinosis	رسوب غیر طبیعی کلسیم در حجرات	Calcepenia	کمبود کلسیم
Calciphillia	تمایل به آهکی شدن	Calciura	کلسیم در ادرار
Calculosis	بیماری سنگ ساز مجاری	Calf	عضله ساق پا
Caliber	قطر داخلی دهانه یک مجرا	Calix	ساختمان پیاله مانند در کلیه
Calmative	داروی مسکن	Callus	پینه بستن ، سفت شدن موضعی پوست
Calorie	واحد پیمایش حرارت	Cubitus	ساعد
Canales	مجاری	Canaliculus	مجاری کوچک
Canaliztion	مجرا سازی	Cacosmia	بوی بد
Cancellate	غریبال مانند	Cancelli	ساختمان های اسفنج مانند
Cancer	تومور خبیث با سیر کشنده	Canceremia	وجود حجرات سرطانی در خون
Cancericidal	کشنده ی سرطان	Cancerism	تمایل به سرطانی شدن

Cancriform	سرطان مانند	Cancroid	نوع از سرطان پوست
Candida	نوع از فنجی مرضی	Candidiasis	عفونت ناشی کاندیدا
Canker	زخم بخصوص در لب یا مخاط دهن	Cannula	کنول
Cannulate	شخص که به کنول زده شده است	Canthal	گوشه چشم
Canthus	زاویه پلک	Capillary	او عیه شعریه
Capillus	مو	Capitate	استخوان بزرگ، شبیه سر
Capitatum	استخوان بزرگ بند دست	Capitulum	برآمدگی کوچک در سر استخوان
Capsulation	در کپسول قرار گرفتن	Capsule	کپسول ، غشا
Capsulitis	التهاب کپسول کلیه	Capsuloma	تومور کپسولی کلیه
Carbasus	گاز بستن زخم	Carbonemia	وجود کاربن دای اکساید در خون
Carbonuria	وجود مرکبات کاربونی در ادرار	Carcinogen	ماده ی سرطان زا
Carcinoid	شبیه سرطان	Carcinosarcoma	مخلوطی از حجات سرطانی نسج ارتباطی و منضم
Carcinosis	انتشار سرطان در سراسر بدن	Cardi(o)	پیشوندی به مفهوم قلب
Cardia	سوراخ فوقانی معده	Cardiac	قلبی
Cardialgia	درد ناحیه کاردیای معده	Cardiant	محرک قلبی
Cardiataxia	ناهماهنگی حرکات قلبی	Cardiectasis	اتساع قلب
Cardio-inhibitor	نهی کننده فعالیت قلبی	Cardiodynia	درد ناحیه قلبی
Cardiogenesis	پروسه ساخته شدن قلب جنین	Cardiogenic	ناشی از قلب

Cardiography	قلب نگاری ، عملیه بررسی عملکرد قلبی	Cardiogram	وسيله ثبت حرکات قلب
Cardiologist	متخصص قلب	Cardiomalacia	نرم شدگی مرضی عضله قلب
Cardiomegaly	بزرگ شدن قلب	Cardiomoility	قدرت تحرک قلب
Cardiomyoliposis	دیجنریشن چربی عضله قلبی	Cardiomyopathy	بیماری عضله قلب
Cardionecter	ساختمان تنظیم کننده حرکات قلب	Cardioneprhic	قلبی-کلیوی
Cardioneural	قلبی عصبی	Cadiopathy	مرض قلبی
Cardioplegia	باز ماندن عضله قلب از حرکت	Cardoisclerosis	سخت شدگی و تصلب قلب
Cardioteraphy	تداوی امراض قلب	Cardiovalvular	قلبی- دریچه یی
Caries	پوسیدن دندان	Carina	برآمدگی ، برجستگی
Cariogenic	عامل پوسیده شدن دندان	Carotid	شریان سبات
Carpus	استخوان ها بند دست	Carrier	انتقال دهنده
Cartillage	غضروف	Caryo	پیش بندی به معنای هسته
Case	مورد مریضی	Coenzyme	فعال کننده انزایم
Corpus	جسم ، بدن	Corpuscle	جسم کوچک
Cortex	قشر	Cranial	جمجمه ی
Crani(o)	پیشوندی به معنای جمجمه	Craniosstosis	قبل از وقت بسته شدن استخوان های جمجمه
Craniotabes	نرمی جمجمه	Craniotomy	برش قسمت از جمجمه
Crisis	بحران	Crus	اعضای تحتانی

Cry(o)	پیشوندی به معنای سرما	Crypt(o)	پیشوندی به معنای مخفی
Dys-	پیشوندی به مفهوم سخت یا اختلال	Dysphagia	بلع مشکل
Dysuria	ادرار دردناک	Dysphasia	ناتوانی در فهم و بیان کلمات
Dystocia	زایمان مشکل	Dysphoria	احساس در ماندگی و ضعف
Dystonia	اختلال در تون عضلات	Dyspegmentation	اختلال در پگمنتیشن
Dysgalactia	ترشح غیر طبیعی شیر	Dyspnea	تنفس مشکل
Dysgenitalism	اختلال در تکامل جنسی	Dysrhythmia	اختلال در ریتم قلب
Dysgenesis	اختلال در تکامل	Dyssomia	اختلال خواب
Dysguesia	اختلال در زایقه	Dystaxia	اشکال در کنترل حرکات ارادی
Dysglandular	اختلال در غدد	Dystecia	بسته شدن ناقص مجرای عصبی جنین
Dyshematopoesis	اختلال در تولید خون	Dystithia	اشکال در تغذیه با پستان مشکل
Dyshormonal	اختلال در هورمون ها	Dyschezia	اجابت مزاج دشوار
Dyskinesia	اشکال در حرکت	Dactyl(o)	پیشوندی به معنای انگشت
Dysmenorrhea	قاعدگی دردناک	Dactylion	انگشتان پرده دار
Dysmetria	اختلال در حرکات ارادی	Deccalcification	خارج شدن کلسیم از حجرات
Dysopia	اختلال دید	Decidua	اندومتر زمان حمل
Dysorexia	اختلال در اشتها	Decompression	کاهنده فشار
Dysosmia	اختلال در بویایی	Decongestant	ضد احتقان یا پندیدگی

Dyspepsia	اختلال در هضم	Decortication	برداشتن قشر اعضا
Decreptation	صدای ترکیدن حباب های مایع	Deliver	خارج کردن جنین
Decubitus	حالت دراز کشیدن	Delivery	عمل خروج جنین
Defect	نارسایی ، نقص	Deltoid	مثلثی شکل
Defecation	اجابت مزاج	Delirium	هزیان ، یک حالت اختلال روانی
Defective	معیوب ، ناقص	Dementia	زوال شدید عقل
Defeminization	عدم وجود خواص جنسی ثانویه ی جنسی	Dendrite	قسمت درختی شکل حجره عصبی
Deficiency	کمبود، عدم کفایت	Denervation	عمل قطع عصب
Defluxion	دفع زیاد هر چیز	Density	کثافت ، تراکم مواد
Defness	کری ، ناشنوایی	Dent(o)	پیشوندی به مفهوم دندان
Deformity	تغییر شکل	Dentagra	دندان درد
Defaundation	برداشتن فندوس رحم	Dentia	دندان در آوردن
Degenrate	استحاله یافته ، از بین رفته	Dentin	عاج دندان
Degenration	انحطاط ، استحاله	Denture	دندان مصنوعی
Deglutition	بلع	Depilate	برطرف کردن مو
Dehydration	خارج شدن آب از بدن	Deposit	رسوب
Delacrimation	ریزش اشک زیاد	Depressant	کاهش دهنده
Delactation	از شیر گرفتن	Depression	افسردگی ، اختلال روانی

Deligation	بانداز	Depressor	پایین برنده
Depth	عمق	Digestant	کمک به هضم
Dermatitis	التهاب پوستی	Digestion	گوارش ، هضم
Dermatoid	پوست مانند	Digit	انگشت
Dermis	درم یا پوست حقیقی	Dilation	توسع یافتن اعضا
Desmosis	بیماری نسج ارتباطی	Dilator	توسع دهنده
Device	وسیله	Dilution	رقیق سازی یا رقیق شده
Devolution	پس رفت	Dimetria	دو رحمی
Dextr(o)	پیشوندی به مفهوم راست	Diet	برنامه غذایی
Dextrocardia	قلب در طرف راست	Discharge	افرازات
Dibetogenic	حالت دیابت زا	Disorter	اختلال
Diagnose	تشخیص	Disseminated	پراکنده ، منتشر
Diagram	شکل راهنما	Distal	نوک انتهایی اعضا ، بعیده
Diaphragm	حجاب حاجز ، پرده بین صدر و بطن	Diuresis	افزایش ادرار
Diaphysis	بدنه استخوان	Diuretic	افزایش دهنده ادرار
Diarrhea	اسهال	Dorsal	پشتی ، قسمت پشت اعضا
Diastole	صفحه استراحت قلب	Dissection	تشریح انساج در جراحی
Dicephalos	جنین دو سره	Dosage	تعیین مقدار

Deffusion	انتشار	Dose	مقدار استعمال
Eyelid	پلک	Efferent	دور کننده از یک مرکز
Eyelash	مژه	Effervescent	جوشان ، شکلی از دوا
Eccentric	محیطی	Effusion	دخول مایع به داخل نسج
Echo	انعکاس صدا	Egesta	دفع مواد اضافی بدن
Echampsia	تشنج زمان حاملگی	Ego	من، یک اصطلاح روانشناسی
Eclampsism	تشنج بعد از ولادت	Ejecta	دفع شدن
Eclamptogenic	مولد اکلامپسی	Elastic	قابل ارتجاع
Ect(o)	پیشوندی به معنای خارج	Elcosis	زخم بد بو
Ectal	خارجی	Ele(o)	پیشوندی به معنای روغن
Ectasia	اتساع	Electro cardio graphy	ثبت امواج برقی قلب
Ectoderm	لایه خارجی زمان جنینی	Elimination	اطراح مواد
Ectopia	ناجا ، خارج از جای اصلی	Elevator	بالابرنده
Ectopic pregnenacy	حمل خارج رحمی	Embolism	انسداد ناگهانی او عیه به علت لخته های خون
Ectrodactylia	فقدان ولادی انگشتها	Embryo	مرحله ی از رشد داخل رحمی
Eczema	یک نوع بیماری التهابی پوست	Emision	تخلیه
Edema	ادیما، احتباس آب در بدن	Emotion	هیجان
Edentia	فقدان دندان	Emulsion	مخلوط هم فاز

Edeology	شناسای سیستم تناسلی	Encphai(o)	پیشوندی به مفهوم دماغ / مغز
Encyst	داخل کیستی	Encephalic	مربوط به مغز
End(o)	پیشوندی به معنای داخلی	Extima	قسمت خارجی او عیه
Enervation	بی عصب کردن	Extraleural	خارج پلورا
Empyema	چرک در داخل جوف	Extensor	بسط دهنده ، باز کننده
Enterocoele	فتق امعا	Expiratory	ذفیری
Enterocolitis	التهاب روده ها	Exocardial	خارج قلبی
Enteron	روده ی کوچک	Exo-	پیشوندی به معنای خارج از-
Endoderm	لایه ی داخلی جنین	Exocrine	غدد که هورمون های شان در یک مجرای مشخص ریخته می شود
Eppiglottis	زبانچه	Exodic	از مرکز به طرف محیط
Epilepsy	صرع / مرگی	Exhalation	خارج کردن گازها از شش ها
Epimer	تکرار غیر طبیعی قاعدگی	Exhaustion	ضعف ، کاهش قدرت حیاتی
Episiotomy	برش قسمتی از ولو	Exfoliation	تفلسی شدن
Erythrosis	حجرات سرخ خون	Exemia	خارج شدن خون از دوران اما از عضویت خارج نمی شود
Eso-	پیشوندی به معنای درون یا داخل	Excoriation	خراشیدگی
Estron	نوع استروئید شبیه استروجن	Exclave	جدار اعضا
Ethmoid	استخوان غربالی شکل	Excitor	محرک
Etiology	علم سبب شناسی امراض	Excitation	تحریک

Eu-(u)	پیشوندی به مفهوم طبیعی بودن	Excision	بریدن ، قطع کردن
Faci(o)	پیشوندی به معنای چهره	Fetal	جنینی
Facial	مربوط به صورت	Fever	تب
Factor	عامل	Fibril	رشته های خورد
Faicate	داسی شکل	Fibrinogen	نوع از پروتین محلول در پلازمای خون
False	کاذب	Fibrinoid	شبهه فیبرین
Familial	فامیلی	Fibrinous	فیبرینی
Farina	ماده ی نشایسته ی	Fibrinolysin	تجزیه کننده فیبرین
Fascia	صفاق	Fibula	استخوان نازک ساق پا
Fatigue	ضعف و خستگی	Filiform	نخی شکل
Faucial	حلقی	Fimbria	زائده ها خصوصا در انتهای نفیرها
Fear	ترس	Fissure	شکاف
Febrile	تب دار	Fistula	سوراخ غیر طبیعی بین دو مجرا
Febrific	تب آور	Fixation	تثبیت شدن
Fecal	مدفوعی	Flank	کنار ، پهلو
Feces	مدفوع	Flav(o)	پیشوندی به مفهوم زرد
Feeding	تغذیه	Flexion	قبض کردن، بستن
Fertilization	القاح ، باروری	Flexor	عضله قبض کننده

Fertile	دارای قدرت باروری	Flexure	انحنای خمیدگی
Gyrus	چین خوردگی	Goiter	بزرگ شدن تایراید، جاغور
Gynecology	طب نسایی	Glycosuria	گلوکوز در ادرار
Gynecologist	متخصص نسایی	Glycosemia	گلوکوز در خون
Gynocoid	زن نما	Glycolysis	تجزیه گلوکوز
Gynecic	زنانگی	Glycogen	شکل ذخیره گلوکوز در کبد و انساج دیگر
Gutter	برش، شیار	Gluteus	عضله سرین
Guttate	قطره مانند	Gluteal	مربوط به سرین
Gustation	ذایقه	Glottis	دستگاه تولید صوت
Gum	الاشه	Glass(O)	پیشوندی به مفهوم زبان
Groove	میزابه، فرورفتگی	Glaucoma	آب سیاه، نوع بیماری چشم
Grip	آنفلونزا	Glands	غدد
Gravida	زن حامله	Glabella	فاصله بین دو ابرو
Gravidum	مربوط به حاملگی	Germ	میکروب، موجود زره بینی
Granular	دانه بی شکل	Generic	عمومی، کلی
Graft	پیوند اعضا	Generation	نسل
Gout	نقرس، نوع بیماری	Gastr(O)	پیشوندی به معنای معده
Gonorrhea	سوزاک	Ganglion	گره عصبی، محل تجمع نیورون ها

Gonad	غده ی جنسی	Galactosis	ترشح شیر
Hysterotomy	جراحی رحم	Harmonic	هورمونی
Hysterometry	اندازه گیری رحم	Horizocardia	قلب افقی
Hysteria	نوع بیماری روانی	Homo-	پیشوندی به معنای شبیه
Hyps(o)	پیشوندی به مفهوم ارتفاع	Hilus	ناف اعضا مثلا در شش یا کلیه
Hypoxia	کمبود اکسیجن	Hidrosis	عرق کردن
Hypoxemia	کمبود آکسیجن در خون	Hidr(o)	پیشوندی به مفهوم عرق
Hypovolemia	کم شدن حجم خون	Hiccup	سکسکه
Hypo-	پیشوندی به مفهوم کم	Hibernation	خواب زمستانی
Hypotonia	کم شدن تون عضلات	Hiatus	شکاف
Hypothyrodism	کاهش فعالیت تایراید	Hernia	فتق، بیرون زدگی
Hypothermia	کاهش درجه حرارت	Hernoid	شبیه فتق
Hypotention	کاهش فشار خون	Heredity	وراثت
Hypertention	افزایش فشار خون	Hereditary	موروثی
Hypn(o)	پیشوندی به مفهوم خواب	Hepatic(o)	پیشوندی به معنای مجرای کبدی
Hyper(o)	پیشوندی به معنای ازدیاد	Hepat(o)	پیشوندی به مفهوم کبد
Hunger	گرسنگی ، فاقگی	Hemostatic	مربوط به توقف خون
Humerous	استخوان بازو	Hemorrhoid	بواسیر، اتساع وریدها

Horn	شاخ	Hemorrhage	خونریزی
Hemoptysis	خون با تفسع	Infection	انتان، میکروبی شدن
Hemo-	پیشوندی به مفهوم خون	Infarction	نکروز حجرات به علت نرسیدن خون
Iatric	پزشکی	Inertia	عدم فعالیت
Iatro-	پیشوندی به مفهوم پزشکی و پزشکی	Infertility	عقامت
iatrogenic	مربوط به کار پزشک	Infertile	عقیم، نازا
Icteric	یرقانی	Infiltration	ترشح، تراوش
icterogenic	یرقان زا	Inflammation	التهابی شدن
Icterus	زردی، یرقان	Inflation	اتساع به خاطر گاز یا هوا
Idio-	پیشوندی به مفهوم خود یا خویشتن	Inhibitor	نهی کننده
Idiopathy	بیماری با علت نامعلوم	Injection	تزریق
Ile(o)	پیشوندی به مفهوم ایلیوم	Inlet	مدخل، قسمت ورودی
Imbalance	عدم توازن	Insitu	در جا، بدون تغییر موقعیت
Immunization	ایمن سازی	Inspiration	شهیق، عمل گرفتن اکسیجن
Immune	معافیت، ایمنی	Intravenous	در داخل ورید
Implant	غرس، کاشتن	Intra	داخل
Impulse	قوه ی تحریک، نبضان	Inversion	عمل معکوس شدن اعضا
In-	پیشوندی به مفهوم در داخل	Iso	پیشوندی به معنای مساوی یا یکسان

Incision	بریدگی	Itching	خارش
Jaundice	یرقان، زردی	Kine-	پیشوندی به معنای حرکت
Jaw	الاشه	Kinesi(o)-	پیشوندی دیگر برای حرکت
Jejunum	قسمت دوم روده ی کوچک	Koilo-	پیشوندی به معنای فرورفته
Joints	مفصل	Kolp-	پیشوندی به مفهوم مهبل
Jugale	برآمدگی استخوان صورت	Kyphosis	نوع از سو شکل ستون فقرات
Junction	اتصال، پیوستن	Labia	لب
Juglar	گردنی	Labor	وضع حمل
Kakosmia	بوی بد	Laceration	پارگی
Kalium	پتاشیم	Lacrimal	اشکیه
Kalemia	پتاشیم در خون	Lacrimation	تولید اشک
Kaliuresis	پتاشیم در ادرار	Lactation	تولید شیر
Karyo-	پیشوندی به مفهوم هسته	Lacunae	سوراخها
Karyon	هسته	Lamina	غشا یا پرده
Keno-	پیشوندی به معنای خالی	Lanugo	موهای ظریف
Kerato-	پیشوندی برای قرنیه و شاخ	Laparo-	پیشوندی به معنای کمر، شکم
Keratin	پروتئین که در مو، شاخ و ناخن یافت می شود	Laparotomy	برش شکم در جراحی
Keto-	پیشوندی برای مواد کیتونی	Laryng(o)	پیشوندی به معنای زبان

Ketosis	افزایش کیتون در بدن	Lept(o)	نازک و ظریف
Lision	آفت ، ضایعه	Luteal	مربوط به جسم زرد
Leuco	پیشوندی به مفهوم سفید	Lyze	تجزیه شدن ، متلاشی شدن
Livator	بالابرنده	Macr(o)	پیشوندی به معنای بزرگ
Ligature	گره جراحی	Macrocephaly	مجمعه بزرگ
Levo	پیشوندی به معنای چپ	Micr(o)	پیشوندی به معنای کوچک
Lip(o)	پیشوندی برای شحم	Macrotia	گوش های بزرگ
Lipophill	شحم دوست	Macula	لکه، نقطه
Lith(o)	پیشوندی به معنای سنگ	Malacia	نرمی وضعف مرضی عضلات
Lithiasis	تشکل سنگ در مجاری عضویت	Malaise	بی قراری ، ناخوشی
Liver	کبد	Malformation	سو شکل
Lobe	شعبه ، قسمت	Malignancy	خباثت، وخیم
Lochia	نفاس، بعد از زایمان	Malignant	خبیث
Lochial	نفاسی	Malnutrition	سو تغذیه
Loop	قوس	Malpresentation	قرار گرفتن نادرست جنین در کانال ولادی
Lotion	محلول هم فاز	Mamilla	نوک ثدیه
Lumbar	کمری	Mamm(o)	پیشوندی به معنای ثدیه
Lumen	مجرا	Mamma	ثدیه، پستان

Lung	شش، ریه	Mandible	فک فوقانی
Mania	جنون ، یک حالت روانی	Mono-	پیشوندی به معنای یک
Manuver	مهارت پزشکی در کاری خاصی	Multi-	پیشوندی به معنای چندین
Mastitis	التهاب ثدیه	Myc-	پیشوندی برای فنجی
Masto	پیشوندی دیگر برای ثدیه	Narcese	خواب آلود
Maxilla	فک تحتانی	Narcotic	مخدر
Medial	وسطی	Nasal	بینی
Mediastinum	ناحیه وسطی صدر	Nasopharyngeal	مربوط به گلو و بینی
Megal(o)	پیشوندی به مفهوم بزرگ شده	Natal	مربوط به نوزاد
Melan(o)	پیشوندی به معنای سیاه	Neonate	نوزاد تا روز 28 بعد از تولد
Membrane	غشا	Necro-	پیشوندی به معنای زوال ، مرگ
Menarche	شروع قاعدگی	Necrose	از بین رفتن، مرگ
Meno-	پیشوندی به معنای قاعدگی	Neo-	پیشوندی به معنای نو
Menstruation	قاعدگی، عادت ماهانه	Nerve	عصب
Menopause	قطع قاعدگی	Neur(o)-	پیشوندی به معنی عصب
Mes(o)	پیشوندی به معنی میان یا وسط	Node	دانه، گره
Meta-	پیشوندی برای تغییر و تبدیل	Nodular	دانه یی
Mortality	مرگ و میر	Ori(o)-	پیشوندی به معنای تخمدان

Morbidity	ابتلا، حالت بیماری	Ovarium	تخمدان
Nystagmus	حرکت غیرارادی چشم	Oral	فمی، دهانی
Nymph	نیمه، نصف	Orchi(o)	پیشوندی برای خصیه یا بیضه
Norm(o)-	پیشوندی به معنای نارمل، عادی	Oste(o)	پیشوندی برای استخوان
Notch	سوراخ، شکاف	Pachy-	پیشوندی به معنی ضخیم
Obese	چاق	Palat(o)-	پیشوندی برای کام
Obesity	چاقی مرضی	Patella	عینک زانو
Oblique	مایل	Pathology	بیماری شناسی / آسیب شناسی
Obstetrician	قابله	Pectus	عضله قفس صدی
Obstetric	طب زایمان و بارداری	Pedicle	پایه
Obstruction	انسداد	Pelvis	حوصله، لگن خاصره
Ocul(o)	پیشوندی به معنای چشم	Penis	آلت تناسلی مردانه
Odont(o)	پیشوندی به معنی دندان	Pharm-	پیشوندی برای دوا
Olfaction	حس بویایی	Phot(o)	پیشوندی به مفهوم روشنی یا نور
Olig(o)	پیشوندی به معنی کم	Polyp	دانه یا برآمدگی کوچک به طرف داخل یک مجرا
Oncology	سرطان شناسی	Pre-	پیشوندی به معنی قبل
Ophthalm(o)-	پیشوندی دیگری برای چشم	Pulse	نبضان
Opium	عصاره ی تریاک	Puncture	بذل، سوراخ کردن برای نمونه برداری

Optic	چشمی	Purpura	عارضه‌ی با لکه‌های ارغوانی در صورت
Pyrosis	سوزش سردل	Response	پاسخ
Pyuria	چرک در ادرار	Rhin(o)	پیشوندی به معنای بینی
q.d.	هر روز	Ribs	قبرغه‌ها
q.h.	هر ساعت	Rupture	پاره شدن
q.q.h.	هر چهار ساعت یکبار	Saccharide	قند
q.i.d	چهار بار در روز	Saccular	کیسه‌پی
Quadrant	یک بر چهار دایره	Saline	نوعی نمک
Quadratus	مربع شکل	Saliva	لعاب دهن
Rabies	سگ دیوانه	Salpinx	نفیر، تیوب رحمی
Rachitis	نرمی استخوان	Salping(o)	پیشوندی برای نفیر
Radiable	شعاع پذیر	Scar	جای زخم
Recipe	نسخه	Schizophrenosis	زوال قبل از وقت عقل
Range	مقدار	Scler(o)	پیشوندی به معنای سخت و صلبیه‌ی چشم
Reflection	بازگشت، انعکاس	Sedation	تسکین یافتن
Reproduction	تولید و تکثیر	Sedative	مسکن
Resection	قطع کردن	Semen	مایع منوی
Resonance	طنین صدا	Tachycardia	حرکات سریع قلب

respiration	تنفس	Tachy-	پیشوندی به مفهوم سریع
Septic	میکروبی، عفونی	Theory	نظری
Septum	پرده	Thigh	ران
Serial	مسلسل، دوامدار	Thorax	صدر
Serosa	پرده، غشا	Thoracic	صدری
Shock	سقوط ناگهانی اعمال بدن	Thrill	لرزه
Stenosis	تضیق، تنگی	Thrombosis	علقه در داخل رگ های خون
Sepsis	عفونت	Thrombolytic	تجزیه کننده علقه
Siezure	اختلاج	Tone	مقویت
Tachypnea	تنفس سریع	Topical	موضعی، در یک قسمت
Talus	یکی از استخوان های کوری پا	Torsion	چرخش
Tampon	پارچه های که در جراحی استفاده می شود	Toxic	سمی، زهری
Tendon	پی، وتر	Toxin	سم، زهر
Teno-	پیشوندی برای پی یا وتر	Tracheo-	پیشوندی برای شزن
Tera-	پیشوندی به مفهوم هیولا	Tansfusion	انتقال خون
Teratogen	هر عامل که باعث ناقص شدن جنین شود.	Trans-	پیشوندی به مفهوم از میان / در امتداد
Testis	خصیه، بیضه	Transplantation	پیوند اعضا
Texture	بافت نسجی	Ulceration	زخم شدن

Thecoma	نوع تومور در تخمدان	Ulcer	زخم
Triad	مثلث، سه گانه	Uterine	رحم
Trunck	تنه، بدنه	Uterus	رحم
Tubo-	پیشوندی به مفهوم لوله یی	Vagal	مربوط به عصب واگوس
Tubo-ovarian	لوله های تخمدانی-رحمی	Vena	ورید
Turgor	تورم، تجمع آب	Vagina	مهبل
Typhoid	محرقة، حصبه	Value	ارزش
Trauma	صدمه، ضربه	Volume	حجم
Tremor	لرزه	Valve	دریچه، دسام
Tansverse	عرضی	Valvular	دریچه یی
Ultrasound	فراصوت(نوع تکنیک تشخیصی)	Vulva	فرج، قسمت خارجی سیستم تناسلی زنانه
Umblicus	ناف	Varicose	توسع او عيه
Umblical cord	بندناف	Vertex	فرق سر
Uni-	پیشوندی به معنای واحد	Vesic(o)	پیشوندی به معنای مثانه یا کیسه
Unipolar	یک قطبی	Vesical	مثانه
Urine	ادرار	Vesicle	کیسه
Urethra	احلیل	Vernix	جلا (در پوست جنین)
Uretic	ادرار آور	Wrist	بند دست

Urinary	ادراری	Waist	کمر
Vein	ورید	WBS	حجرات سفید خون
Vagus	نام یکی از عصب ها	Womb	رحم
Vertebral	مهره بی	Yolk gs	کیسه زرده
Vomiting	استفراغ کردن	Yellow fever	بیماری حاد تب دار
Villi	پرز، زغابه	Yolk	زرده
Venule	وریدهای کوچک	Zyg(o)	پیشوندی به معنی یکجای شده
Vas(o)	پیشوندی به معنی او عیه	Zygote	تخم القاح یافته
Wax	موم	Zym(o)	پیشوندی به معنای آنزایم
Wheeze	صدای خس خس در وقت تنفس	-zyme	پسوندی برای آنزایم ها
Whistle	صدای سوت مانند تنفس	Zone	ناحیه / منطقه
Whoop	سیاه سرفه		

فقط کافی است عزم را جزم کنی و قدم اول را برداری...!

مارک فیشر

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**